

فساد سیستماتیک و دشواری های مبارزه با آن

سرمقاله

افغانستان؛ بازهم بیسوادی،

فقر و محرومیت

حفیظ الله زکی

مردم افغانستان به دلیل فقر اقتصادی، توسعه نیافتگی فرهنگی، حاکمیت تبعیض و بی عدالتی و نبود فرصت ها و امکانات آموزشی اغلب از نعمت سبواود محروم مانده اند. در نظام جدید سیاسی، سواد و آموزش های ابتدایی یکی از حقوق انکار ناپذیر شهروندان کشور به شمار می آید. به همین دلیل یکی از عرصه های که بیشترین توجه و تمرکز روی آن صورت گرفت، بخش معارف افغانستان بود.

در این مدت مکاتب دولتی فعال گردید و بر اساس نیاز مکاتب جدید در مناطق مختلف کشور ساخته شد و به بخش خصوصی نیز اجازه داده شد تا در زمینه های تعلیمی و تحصیلی کار کنند. در این سال ها زمینه تعلیمی و آموزشی برای شهروندان فراهم گردید و مردم توانستند فرزندان خود را به مکاتب دولتی یا خصوصی بفرستند. امروز پس از پانزده سال ما سالانه هزاران نفر فارغ التحصیل از دانشگاه های داخلی و خارجی داریم که این خود گام بزرگ در راستای اعتلای فرهنگی و مبارزه با بی سوادی شمرده می شود.

ولی مشکل بی سوادی همچنان مردم افغانستان را رنج می دهد. بر اساس یافته های سازمان یونسکو هنوز هم یازده میلیون نفر در افغانستان بی سواد و یا کم سواد هستند و تنها ۳۴ درصد مردان و ۱۸ درصد زنان از سواد کافی برخوردار اند. بر اساس آمار که یونسکو ارائه می دهد، ۹۰ درصد زنان و بیشتر از شصت درصد مردان در روستاها سواد کافی ندارند. این یک آمار تکانه دهنده و یک واقعیت تلخی است که افغانستان از آن رنج می برد.

پرسش این است که چرا با وجود کم های زیادی که در زمینه تعلیمی صورت گرفته، هنوز آمارهای بالا از بی سواد و کم سواد در کشور ارائه می گردد و چرا سیاست های دولت در راستای سواد آموزی با نتیجه دلخواه فاصله دارد؟

چند عامل در این زمینه وجود دارد و این عوامل سبب تأخیر و توقف برنامه های سواد آموزی در کشور گردیده است:

۱- نا امنی، جنگ و ناامنی در پانزده سال گذشته نزدیک به چهل درصد جغرافیای افغانستان را تحت تأثیر قرار داده است. در این مناطق مخالفان مسلح دولت، اجازه نمی دادند تا برنامه های سواد آموزی و تعلیمی به مورد اجرا گذاشته شود.

۲- فقر فرهنگی و حاکمیت عنعنات قبیله ای. در بسیاری از مناطق قبایلی، دختران حق درس خواندن را ندارند و تعلیم دختران در این مناطق حرام پنداشته می شود. به این ترتیب نیمی از اعضای اجتماع از نعمت سواد محروم می مانند.

۳- فقر اقتصادی. یکی از دلایل عمده ای که در افغانستان نقش مهم در بی سواد و کم سواد مردم ایفا می کند، فقر اقتصادی است. مردم در روستاها به دلیل نبود کار و درآمد مطلوب ناچارند، فرزندان شان را به جای مکتب به سوی شهرها و کارخانه ها بفرستند، تا در درآمد خانواده کمک شوند. بسیاری از اطفال غیرعلم میل پدر و مادر و سایر اعضای خانواده، به نسوی کار فرستاده می شوند و امروزه متأسفانه کودکان کار خود به یک معضل اجتماعی و حقوق بشری در افغانستان تبدیل شده است.

۴- عدم توجه دولت و نهادهای بین المللی به سواد حیاتی و آموزش بزرگسالان. با آن که سالانه بودجه هنگفتی به وزارت معارف اختصاص داده می شود؛ اما از این بودجه تنها یک درصد آن در زمینه سواد حیاتی به مصرف می رسد. هنوز وزارت معارف برنامه مدون و تعریف شده ای در راستای محو بی سواد و بزرگسالان ندارد. در این مدت توجه وزارت معارف بیشتر به مکاتب و ساخت مکاتب بوده است و برنامه سواد آموزی برای بزرگسالان تا حدودی به فراموشی سپرده شده است. بنابراین تأمین امنیت، مبارزه با خرافات، مبارزه با فقر و محرومیت و توجه ویژه به آموزش بزرگسالان از راهکارهایی اند که باید در سیاست های آینده حکومت برای مبارزه با بیسواد و مدنظر قرار بگیرند. طرح بسیج ملی برای سواد آموزی در صورتی که با واقعیت های اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی این کشور سازگار باشد، می تواند روزنه ای را به سمت کاهش بی سواد در کشور باز کند.

مبارزه با فساد اداری یکی از تعهدات اصلی حکومت وحدت ملی به جامعه جهانی برای تداوم کمک ها بود. حکومت برای اینکه در امر مبارزه با فساد اداری از خود جدیت نشان دهد، پیش از کنفرانس های بروکسل و وارسا، مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری را ایجاد کرد. گفته شده بود که در این مرکز فساد اداری مقامات بلند رتبه دولتی شامل وزیران و والیان بررسی می شود. اما آنچه که تا کنون از محکمه های علنی این مرکز مبارزه با فساد بر آمده است، چیزی نبوده است که مردم افغانستان انتظار داشتند. ایجاد مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری ایسن امیدواری را بوجود آورده بود که حکومت وحدت ملی برای مبارزه با فساد اداری جدی است و برای از بین بردن فساد از سیستم اداری افغانستان، تلاش های سنجیده شده و جدی را روی دست دارد. اما آنچه که از محکمه های علنی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری بر آمد، نشان داد که چنان انتظارات و توقعاتی از این مرکز نادرست بوده است و این مرکز نیز همانند چندین کمیسیون مقامات حکومتی بارها از مبارزه با فساد اداری سخن گفته اند، حتی رئیس جمهور فساد اداری را «شرم ملی» خوانده بود، اما چرا هنوز اراده ای جدی برای مبارزه با فساد اداری در درون حکومت وحدت ملی بوجود نیامده است؟ چرا راهکارهای مبارزه با فساد اداری و کمیسیون ها و مراکز که برای این کار ایجاد می شود ناکارآمد و غیر موثر است؟

تا کنون لایله زیادی برای عدم موفقیت در امر مبارزه با فساد اداری ذکر شده است، اما مهمترین مسئله این است که فساد اداری در افغانستان بصورت سیستماتیک و شبکه ای وجود دارد و شبکه های که در درون حکومت وجود دارد و نفع می برند، هنوز در درون حکومت جا دارند و مانع هرگونه تلاش جدی برای

مهدی مدیر



بصورت غیرقانونی افراد وابستگان خود را در ادارات دولتی جایجا بسازند و پروسه های اداری را به نفع خود و جریان سیاسی شان رقم بزنند. افرادی که از آدرس اینگونه اشخاص در درون نظام جایجا شده اند، در تلاش بوده اند تا منافع غیرقانونی آنها را در درون نظام برآورده کنند و از حمایت آنها برخوردار باشند. اینگونه تلاش ها باعث شده است که فساد اداری شبکه ای و سیستماتیک گردد و حامیان قدرتمند سیاسی پیدا بکنند. موجودیت شبکه های مبارزه با فساد در درون نظام برای فساد سیستماتیک، مبارزه با فساد را سخت و دشوار کرده است. این شبکه ها چنان ریشه ی عمیق بر دهنه ی نظام اداری افغانستان دوانده اند که تغییرات مسئولین بلند پایه ی اداره ها، هیچ تأثیری روی آنها ندارد و آنها در درون ادارات از چنان قدرتی برخوردار هستند که می توانند مسئول درجه اول یک اداره را تحت فشار قرار دهند و فضا را بر او تنگ سازند.

همچنان در طول یک و نیم دهه گذشته سیاستمداران و افسراد قدرتمند، برای رسیدن به قدرت و اعمال نفوذ در درون حکومت، تلاش کرده اند قانون را دور بزنند و فساد را مبارزه با فساد اداری می کنند. وقتی که فساد بصورت شبکه ای و سیستماتیک انجام شود، باید تلاش شود که شبکه های فساد از بین برده شود و توقعاتی از این مرکز نادرست بوده است و این مرکز نیز همانند چندین کمیسیون مقامات حکومتی بارها از مبارزه با فساد اداری سخن گفته اند، حتی رئیس جمهور فساد اداری را «شرم ملی» خوانده بود، اما چرا هنوز اراده ای جدی برای مبارزه با فساد اداری در درون حکومت وجود دارد؟

مبارزه با فساد اداری می شود. وقتی که فساد بصورت شبکه ای و سیستماتیک انجام شود، باید تلاش شود که شبکه های فساد از بین برده شود و توقعاتی از این مرکز نادرست بوده است و این مرکز نیز همانند چندین کمیسیون مقامات حکومتی بارها از مبارزه با فساد اداری سخن گفته اند، حتی رئیس جمهور فساد اداری را «شرم ملی» خوانده بود، اما چرا هنوز اراده ای جدی برای مبارزه با فساد اداری در درون حکومت وجود دارد؟

اول اصلاحات، بعد مبارزه با فساد

رضا احسانی



سیاسی نجات داد و سبب شد که حکومت وحدت ملی بر مبنای توافقات سیاسی شکل بگیرد. این مساله خود سطح توقعات و انتظارات را از حکومت وحدت ملی کاهش داد. زیرا مردم می دانستند که این حکومت همواره درگیر نزاع های درونی خود خواهد بود و کمتر فرصت پیدا خواهد کرد تا در باره مسایل و مشکلات اساسی ملی تصمیم بگیرد.

اما از آنجایی که سسران حکومت وحدت ملی بیش از اندازه روی موضوع اصلاحات اداری و مبارزه با فساد اداری تأکید می ورزید، پس از دو سال کارنامه این حکومت در این دو زمینه چندان امیدوار کننده نبوده است.

چندی قبل مسئولین بخش مبارزه با فساد اداری و حکومتداری خوب برنامه انکشافی ملل متحد، برنامه های این سازمان را در رابطه به مبارزه با فساد و حکومتداری مقامات بلند پایه حکومت وحدت ملی در میان گذاشتند و خواستار توجه بیشتر حکومت در بخش حکومتداری و مبارزه با فساد اداری شدند.

برنامه های ملل متحد در زمینه مبارزه با فساد و حکومتداری خوب برنامه انکشافی ملل متحد، برنامه های این سازمان را در رابطه به مبارزه با فساد و حکومتداری مقامات بلند پایه حکومت وحدت ملی در میان گذاشتند و خواستار توجه بیشتر حکومت در بخش حکومتداری و مبارزه با فساد اداری شدند.

برنامه های ملل متحد در زمینه مبارزه با فساد و حکومتداری خوب برنامه انکشافی ملل متحد، برنامه های این سازمان را در رابطه به مبارزه با فساد و حکومتداری مقامات بلند پایه حکومت وحدت ملی در میان گذاشتند و خواستار توجه بیشتر حکومت در بخش حکومتداری و مبارزه با فساد اداری شدند.

در اثر فشارهای بین المللی حکومت افغانستان مجبور شد که خطوط اساسی استراتژی توسعه ملی را در سال ۲۰۰۶ در همین راستا تدوین کند. توافقنامه ای هم میان افغانستان و جامعه جهانی برای تحکیم پایه های اساسی حکومتداری خوب به امضاء رسید. این توافق روی محورهای امنیت، حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر و توسعه اقتصادی و اجتماعی استوار گردید. از سال ۲۰۰۹ به این طرف فشارها روی حکومت به منظور مبارزه با فساد و ایجاد حکومتداری خوب بیشتر گردید و این فشارها گاهی روابط دوستانه میان حکومت افغانستان و کشورهای غربی را تنش آلود می نمود. ولی علیرغم همه تلاش ها و فشارها حکومت و جامعه جهانی نه در مبارزه با فساد اداری دستاوردی قابل قبولی ارائه داده توانستند و نه در ایجاد یک حکومت خوب، مشارکت پذیر و پاسخگو توفیق یافتند.

به این دلیل امید اصلاحات و مبارزه با فساد در دوران حکومت قبلی به بن بست رسیده بود. تمام تلاش ها در این زمینه به ناکامی انجامید و تمام ارگان های دولتی را ناکارایی، بی برنامهگی و آشفتگی و فساد فرا گرفته بود. توقع و انتظار بهبودی از اداره فاسد و ناکارای این چنینی یک توقع بیجا و بیهوده تلقی می شد.

مردم چشم به حکومت جدیدی بستند که پس از انتخابات ۱۳۹۲ روی کار می آمد. ولی این انتخابات هم در چاله فساد و تقلب به پندامی و بحران کشیده شد. امضای توافقنامه سیاسی میان دو تیم پیشتاز افغانستان را از یک بحران عمیق

مطالعات انجام شده از سوی محققان که در سه دهه اخیر بیش از صدو شصت کشور در حال توسعه جهان را مورد بررسی قرار داده است، به رابطه تنگاتنگ و مستقیم میان حکومتداری خوب و توسعه اقتصادی پی برده است. بانک جهانی نیز در سال ۱۹۸۹ به بررسی اثرات حکومتداری نامطلوب بر تأخیر رشد و کندی روند پیشرفت در کشورهای در حال توسعه پرداخت و نتایج این بررسی و تحقیق را طی گزارشی منتشر کرد. در این گزارش آمده است که ضعف در به کارگیری و عملی نمودن اصول حکومتداری خوب یکی از مهمترین موانع رشد و توسعه در کشورهای آفریقایی می باشد.

در افغانستان نیز به دلیل همین اهمیت، جامعه جهانی از ابتدایی تأسیس نظام جدید سیاسی، در موافقتنامه بن موضوع

تشدیدات گسترده و هزینه های هنگفت در افغانستان وجود داشت؛ ولی این که کمیسیون گامی در راستای حکومتداری خوب برداشته نتوانست، هیچ که ریشه های فساد را تقویت کرد و مبارزه با آن را دشوارتر و مشکل تر نمود. دهها کمیسیون و اداره مبارزه با فساد در افغانستان تشکیل شد و معاشات دالری برای اعضای آن در نظر گرفته شد، اما چندین سال که از تشکیل این کمیسیون ها می گذرد، تا هنوز هیچ دستاوردی را برای عرضه ندارند. وقتی کارکرد اعضا این نهادها مهم را مورد بررسی قرار دهیم، به این نتیجه می رسیم که بسیاری از اعضا هدف شان صرف برخورداری از معاشات دالری این نهادها بوده، نه کار، فعالیت و تأثیرگذاری مثبت در فرایند سیاستگذاری های اداری. تأسیس نهادها در افغانستان حیثیت یک آخوری را پیدا کرده که تعدادی از افراد با واسطه و با پشتوانه از آن تغذیه می کنند و خود شان پروار می کنند.

در حکومت وحدت ملی اگر چه اراده و توجه در سطوح بالای حکومت مشاهده می شود، اما رقابت ها و اختلافات درونی و پیچیدگی و درهم تنیدگی حکومتداری خوب با فساد و مافیای مواد مخدر و تروریسم، مؤقتت های حکومت را در این زمینه کم رنگ تر کرده است. به نظر می رسد که به هر حال کار از یک جایی باید شروع شود. مبارزه با فساد از نهادهایی که خود در گرداب فساد غرق اند، امکان پذیر نیست. اگر حکومت روی آوردن اصلاحات در ادارات تمرکز می کرد، بسیار آسان تر و کم هزینه تر از مبارزه ناقص و فرمالتیک با فساد اداری بود که سال ها است جریان دارد. پروسه استخدام و مقررری ها یکی از عرصه های بوده که آوردن اصلاحات در ادارات را به چالش کشیده و به فساد اداری عمق بخشیده است. مساله مهم در این زمینه نحوه مشارکت مردم در آوردن اصلاحات اداری و مبارزه با فساد اداری است. حکومت باید آزادی بیان را ارج گذاشته و زمینه دسترسی مردم را به معلومات دولتی فراهم سازد، تا مردم با آگاهی از کارکرد ادارات در راستای اصلاح ادارات ناکارا، حکومت را یاری رسانند. زمانی که آزادی و مشارکت شهروندان در تصمیم گیری ها به رسمیت شناخته نشود، زمینه حمایت مردم از سیاست های حکومت نیز فراهم نمی شود. حکومت باید با مردم صادقانه برخورد نماید و با شفافیت تمام آنها را در جریان مسایل مهم ملی بگذراند، بعد می تواند از آنها بخواهد که اصلاح ادارات و مبارزه با فساد حکومت را یاری رسانند.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper